

بازشناسی جایگاه هنر اسلامی در معماری و شهرسازی

حمیده احمدی، سیما حاجی حسن

چکیده

معماری و شهرسازی اسلامی، معماری ای است که با تأثیر پذیری از بستر فرهنگی و اعتقادی اسلامی، هویت خاصی را به خود گرفته است. معمار هنگامی که معانی غیبی را به خیال و حس در میآورد و در پی خلق معماری بر میآید به صورت خودآگاه و ناخودآگاه تمام جنبه های فقهی، عقلی و عرفانی را لحاظ میکند و اثری خلق میکند که انسان را به عالم معنا متصل میکند. بدین جهت هنر و معماری آرمانی اسلامی تجلی معانی و حقایق عالم غیب است. اسلام از سرآغاز تاکنون، برای انسان، شیوه ای از زندگی را تدوین کرده که بتواند با انتخاب راه حقیقت، در جهت تکامل و توسعه حرکت کند. شهر قلمرو فرهنگ اسلامی به دلیل متأثر شدن از اصول و ارزشهای برآمده از دین اسلام، از مشخصه هایی برخوردار شده که آن را از دیگر حوزه های فرهنگی متمایز می سازد. شهر اسلامی مفهومی برای معرفی شهرهایی متأثر از فرهنگ و آموزه های دینی و ارزش های اسلامی است. هنر و مذهب بسیار به هم وابسته اند و در کنار یکدیگر باعث زنده ماندن و تداوم یکدیگر شده اند؛ به بیانی دیگر هنر و مذهب در کنار و به موازات یکدیگر قرار دارند. شهرسازی و معماری اسلامی تأثیر بسیار زیادی بر ترویج سبک زندگی اسلامی در خانواده و جامعه دارد که در این نوشتار کوشش شده تا به شگفتی آفرینی هنر اسلامی در شهر پرداخته شود.

واژه های کلیدی: معماری اسلامی، شهر اسلامی، هنر اسلامی

مقدمه

از منظر دین مبین اسلام، شهر دارای جایگاه ویژه ای بوده، از این رو هنر اسلامی در شهر جایگاه ویژه ای دارد تا جایی که خداوند متعال در قرآن به شهر قسم میخورد: *لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ، سوگند به این شهر (بلد ۲-۱)*. مجتمع های زیستی و ارتباطات بین فضاهای موجود در این مجتمع ها یکی از عناصر اساسی در معرفی فرهنگ و اعتقادات جوامع است. در ایران وجود مجتمع های زیستی بزرگ چون شهر سوخته سیستان و دیگر مجتمع های بزرگ که نمونه مشابه آن در کشور ما به وفور یافت می شوند گواه این است که سابقه معماری و شهرنشینی در این سرزمین به هزاره های خیلی دور می رسد. گرچه بارها فرهنگ و جهان بینی ایران با تغییر حاکمان، هجوم بیگانگان و مهاجرت های صورت گرفته در ادوار مختلف تاریخی دچار تغییر و دگرگونی شده و آثار باقیمانده معماری نیز گواه این مدعا است ولی آنچه قابل توجه است این است که هیچ کدام از این دگرگونی ها در ایران به اندازه تغییر فرهنگی که با ورود اسلام و اعراب بر معماری و شهرسازی ایران اعمال شد، مؤثر نبوده اند. و سابقه تاریخی اعراب نشان می دهد که آن ها در زمینه معماری و شهرسازی دارای پیشینه آن چنان درخشانی نبودند؛ پس عاملی که سبب این تأثیرها و تغییرها در معماری و شهرسازی ایرانی شد اسلام و تعلیمات دینی بود. در واقع اسلام سبب شد معماران و شهرسازان ایرانی با ترکیب عناصر بومی و تعلیمات و اعتقادات مذهبی هنرهایی را به جهانیان عرضه کنند که برای قرن ها مایه بالندگی و غرور مسلمانان بود. معماران ایرانی که قبل از اسلام نیز دارای سابقه درخشانی بوده و بناهای بی مثالی را به جهانیان عرضه کرده بودند با ترکیب روح و تفکر اسلامی با عناصر بومی بناهایی شایسته تمدن و فرهنگ اسلامی خلق کردند که مایه شگفتی جهانیان شد. معماری و شهرسازی اسلامی از جمله معماری هایی است که بر اساس فرهنگ و تمدن مذهبی بنا شده است. این نوع معماری و شهرسازی در کشورهایی پیدا می شود که تأثیر پذیری قابل توجهی از ایدئولوژی اسلامی در طول سالهای متمادی داشته و بر اساس همین ایدئولوژی فرهنگ خود را بنا کرده اند. از آن جمله می توان کشورهای آسیای میانه و قفقاز، ایران، عراق، ترکیه، سوریه، مصر، تونس، الجزایر، مراکش، هند و افغانستان را نام برد. البته نباید فراموش کرد که گستره زمانی این کشورها برابر نیست برای مثال چین نقشی برای کشور مصر از تاریخ ۹۲۴ قمری رقم زده شد (هیلن براند، رابرت، ۱۳۷۷).